

ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی

صمد کلانتری*، رسول ربانی**، کامران صداقت***

مقاله حاضر به بررسی ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گریزی شهروندان می‌پردازد و فرضیه اصلی آن این است که فقر و قانون‌گریزی آسیب‌های عمدۀ اجتماعی هستند که در تعامل با هم می‌باشند و هر چه شدت فقر افزایش یابد هنگارها، قوانین و ساختارهای تنظیم‌کننده روابط اجتماعی انسان‌ها ضمانت اجرایی خود را از دست می‌دهند. از این رو براساس نظریه ساختاری فرست مرتن، بوم‌شناسی برگس، تکنیک خنثی‌سازی ساترلن و نظریه تضاد به تحلیل ارتباط ابعاد فقر با قانون‌گریزی پرداخته شد.

جامعه آماری بررسی حاضر شهروندان تبریز و حجم نمونه طبق فرمول کوکران 670 نفر بود که نمونه‌ها به روش خوش‌ای چند مرحله‌ای استخراج شدند و گردآوری داده‌ها با پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته که عمدۀ ترین

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان
<Kalantari_Samad@yahoo.fr>

** دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان
*** دکترای جامعه‌شناسی

نتایج آن به شرح زیر است:

90 درصد از شهروندان در 6 ماه دوم سال 83 حداقل یکبار قانون گریزی کرده اند. با این وجود قانون گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهرروندان در ارتباط است و طبقه فقیر جامعه شهری میزان قانون گریزی بیشتری دارد. همچنانکه براساس مدل رگرسیونی به ترتیب فقر اقتصادی - اجتماعی، فقر نگرشی به قانون، فقر دینی، فقر فرهنگی و فقر شهرروندی بسترهای مساعدی را برای قانون‌گریزی و توجیه اعمال قانون گریزانه فراهم می‌کند و فرد را در موقعیت های هدفیابی به مکانیسم های خنثی سازی هدایت می‌کند تا به روش های فردی و غیرهنگاری عمل نماید.

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، فقر، قانون‌گریزی
تاریخ دریافت مقاله: 84/2/3
تاریخ پذیرش مقاله: 84/6/12

مقدمه

قانون‌گریزی یک بیماری مسری است که در حال حاضر بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده است (نجفی توانا، 1381:12) و ریشه آن عدم نظم پذیری است که به دلیل گسترش فقر و شکاف طبقاتی است. زیرا نظم پذیری مختص اشخاصی است که حداقل نیازهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی شان تأمین شده

باشد. (همان: 13) در مقابل نظم گریزی مترادف با قانون گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعریض به حقوق دیگران، عدم انجام تکلیف، گریز از مسئولیت و وصول به مقصود به هر طریق ممکن است.

از این‌رو در شرایط نظم گریزی عملاً انواع آسیب‌ها حیات اجتماعی را تهدید می‌کند که عوامل چندگانه و عمدۀ ای در آن دخیل اند. بنابراین در مقاله حاضر به گزارش مصاديق نظم گریزی و میزان قانون گریزی شهروندان به عنوان نمودی از آسیب اجتماعی پرداخته ایم و ارتباط فقر با قانون گریزی را بر اساس نظریة بوم‌شناسی مکتب شیکاگو، ساختار فرصت رابت مرتن، نظریة نابهنجاری دورکیم، خنثی‌سازی ساترلندر، تله فقر رابت چمبرز و نظریه تضاد تبیین کرده ایم. در این مقاله منظور از فقر صرفاً جنبة اقتصادي و معیشتی آن نیست بلکه فقر فرهنگی، فقر مدنیت (شهروندی) و فقر دینی را نیز شامل می‌شود. یافته‌های تجربی مقاله نیز حاصل مطالعة پیمایشی بر روی شهروندان تبریز است که در حوزه‌های متفاوت طبقات شهری اجرا شده است.

1) بیان مسئله

پایبندی و دلبستگی افراد جامعه به قوانین و اجرای صحیح آن‌ها و یا بی‌اعتنایی به قوانین و شانه‌حالی کردن از اجرای درست آن‌ها دارای آثار و

نتایج آشکار و پنهان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد.

اساساً آسیب‌های اجتماعی ناشی از روابط انسانی است که جامعه را به طور جدی تهدید می‌کند و یا تحقق نیازمندی‌ها و تقاضاهای افراد کثیری را مانع می‌گردد. آسیب اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که به نظر می‌رسد نهادهای تنظیم‌کننده روابط بین افراد با شکست روبرو شده و دچار تزلزل شوند که نتیجه آن شکل‌گیری شکاف‌های عمیق بین افراد است. بنابراین در چنین شرایطی شاهد دوگانگی انسان‌ها از نظر وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی خواهیم بود که باعث می‌شود افرادی که از توامندی پائینی برخوردارند به تقاضاهای تأمین نیازمندی‌های خود در چارچوب نهادهای مدنی دسترسی پیدا نکنند. در این وضعیت قوانین تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند و متزلزل می‌شوند. چرا که قانونمندی و پذیرش قانون‌ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن نیز در گروه داشتن آمادگی جسمانی (عدم فقر جسمانی)، آگاهی (عدم فقر فکری) و احساسی (عدم احساس تبعیض) است. زیرا در صورت عدم رعایت قانون که بخشی از آن وابسته به فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است

میتواند وضعیت کلی اجتماع را دچار انواع دشواری‌ها نموده و ساخت های اقتصادی نامطلوب و بی‌عدالتی‌ها و به طور ک‌لی نارضایتی و نابسامانی عمومی را سبب شود و در نهایت منجر به ورشکستگی دایره انسجام اجتماعی و درهم گسیختگی نظام اجتماعی گردد، الزامات و مؤلفه‌ها و مهارت‌هایی که در جامعه مدنی ضروري است شکل نگیرد و در نهایت موجبات آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد که نمونه‌هایی از آن‌ها عبارتند از: تشکیل گروه‌های فشار، عدم توجه به بهدافت اماکن، ایجاد آلودگی‌های صوتی و دیداری، عدم حفظ اماکن عمومی، آسیب رساندن به وسایط نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی و نیز پرداختن به مشاغل غیرقانونی .
(ماهرویی، 1381:13)

از این رو در تبیین قانون گریزی بر اساس فقر نمیتوان صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه کرد. زیرا فقر شهروندی و نیز فقر فرهنگی و اجتماعی نیز به عنوان ابعاد دیگری از فقر هستند که در گسترش و شیوع آسیب‌های اجتماعی اهمیت اساسی دارند . در این مقاله سعی شده است مصادیق قانون گریزی بر مبنای حوزه‌های فقر فرهنگی، اجتماعی و شهروندی تشریح شود. در این زمینه پرسش اساسی این است که تا چه حد فقر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و

شهروندگرایی آمادگی افراد را برای قانون گریزی فراهم می‌آورند و باعث شکل‌گیر فرهنگ قانون‌گریزی می‌شوند.

(2) تعریف مفاهیم و متغیرها

2-1) میزان قانون‌گریزی

عبارت است از نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت های اجرایی رسمی می‌باشد. شیوه تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند.

(ماهروی، 1381؛ مؤمنی، 1381؛ ابطحی، 1375؛ قنبری، 1375) مانند عدم پرداخت مالیات، اشتغال بدون مجوز، بی‌توجهی به علائم راهنمایی و رانندگی ... که در این مطالعه 21 مصدق عینی برای قانون‌گریزی که گروه وسیعی از شهروندان را پوشش می‌دهد پس از تعیین اعتبار انتخاب شد و در مقیاس فاصله‌ای طبق معادله زیر سنجیده شد:

$$\frac{\text{تکرار موارد قانون‌گریزی در طول 1383 سال}}{\text{کل موارد احتمال قانون‌گریزی}} = 6 \times 100$$

2-2) طبقه اقتصادی - اجتماعی

عبارت است از جایگاه منزلتی و توانمندی اقتصادی گروهی از افراد در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی که طبق شاخص نام - پاورز (Nam-Powers) از روی

معیارهای وجهه شغلی، درآمد و امکانات رفاهی تعیین می‌شود و از طریق رتبه گذاری معیارهای فوق و جمع این رتبه‌ها محاسبه می‌شود. (میلر، 394:1380)

2-3) فقر فرهنگی

منظور از فقر فرهنگی به زعم جیمز کلمن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پائین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی می‌باشد. مانند: کم توجهی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم سوادی والدین و... . (کلمن، 240:1377)

2-4) شهروندی

سطح برقراری ارتباط با نهادهای جامعه و توانایی تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی همراه با مراقبت از محیط زندگی خود می‌باشد (Richards, 2004:8). مانند: دانستن اسامی مدیران ارشد شهری، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و...

2-5) نگرش دینی

عبارت است از وضعیت اعتقادی، احساسی، ادراکی و عاطفی انسان در مواجهه با امر قدسی (خداآنده) هنگام انجام فعالیت‌های روزانه. مانند: اعتقاد داشتن به معاد و پاسخگویی به اعمال خود. (جلالی

مقدم ، (40:1379

6-2) نگرش به قانون

عبارت است از ارزیابی فایده و انتظار فایده از رعایت قانون و حقوق دیگران (رفیعپور، 26:1371). مانند: این احساس که رعایت قانون باعث احساس موفقیت می‌شود. یا قانون در همه جا وجود دارد یا قانون به نفع همه مردم است.

3) مبانی نظری

زندگی اجتماعی انسان به وسیله هنجارها، قوانین، و مقررات اداره می‌شود. اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجاری‌های اجتماعی که رفتار آن‌ها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف کنند، مقید نباشند، فعالیت انسان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد. (احمدی، 11:1377) آن‌گاه نظم اجتماعی مختل می‌شود و در آن صورت افراد جامعه با هنجاری‌های اجتماعی که میان نظم اجتماعی است هم نوای نگردیده و مرتكب رفتارهای انحرافی و انواع قانون شکنی‌ها می‌شوند. در این میان اگر جامعه دارای تضاد طبقاتی و شیوع فقر در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باشد؛ شدت نادیده گرفتن مبانی ارزش‌ها، هنجارها و قوانین از طرف افراد بیشتر می‌شود که پیامدهای آن نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف روابط

متقابل افراد جامعه است. (همان منبع) در این زمینه دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانونگریزی در جامعه اوج می‌گیرد. به زعم دورکیم نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گردآوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تأثیر قاطع‌تری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و اطاعت از قوانین و عرف را به عنوان نیروهای اجتماعی کاوش می‌دهد، زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی می‌شود، و در مردم حالت سردگمی عارض می‌شود. (مؤمنی، 32:1381)

به طوری که نوسانات شدید اقتصادی و بی‌亨جاري اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و در تله فقر گرفتار می‌گردند. (چمبرز، 1998:83) و سعی می‌کنند با توصل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع قانون گریزی‌ها و قانون‌شکنی‌ها شکل می‌گیرد.

3-1) نظریه ساختاری فرصت، فقر و قانونگریزی

رابرت مرتن در نظریه ساختاری فرصت توپیحات جامعه‌شناختی متقادرکننده‌ای در مورد ارتباط فقر

با قانون‌گریزی ارائه می‌کند. او استدلال می‌کند، جامعه‌ای که تأکید زیادی بر موفقیت مادی دارد و میزان دارایی را معیار موفقیت افراد می‌شناسد، ثروت به عنوان یک هدف فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود و غالب مردم عملًا می‌پذیرند که موفقیت، قاطعانه با معیار ثروت و مادیات سنجیده می‌شود. از آنجا که قشر کوچکی در جامعه دسترسی گستردگی ای به امکانات و اهداف مالی دارند، ولی قشر وسیع‌تری دسترسی ناچیزی به شیوه های درآمدزا، آنچنان که موافق و مطلوب معیارهای سنجش موفقیت باشند، می‌یابند. بنابراین برای گروه مردم (قراء) ابزار و هدف اجتماعی بر هم منطبق نیستند. این گروه هدف را مطلوب می‌داند ولی امکان دسترسی به آن را ندارد. از نظر مرتن در این شرایط مردم فقیر به روشهای مختلف سعی بر انطباق اجتماعی می‌نمایند. سعی این افراد در گزینش شیوه‌های انطباق با هدف اجتماعی ممکن است به طیفی از رفتارهای مختلف، از قبیل فراهم آوردن امکانات جدید برای خود که مورد قبول جامعه نیست و یا روی آوری به رفتارهای غیرقانونی برای کسب درآمد و ثروت باشد. در مجموع از نظر مرتن وقتی فقر در جامعه گسترش می‌یابد که جامعه ابزار و امکانات تولید ثروت را یکسان توزیع نمینماید و استعداد و توانایی اعضای جامعه برای

تلاش مشروع نیز به طور یکسان پرورش نمی یابد. بنابراین در این شرایط باید انتظار داشت که فقرا برای تطبیق پذیری، رفتارهای غیرقانونی بیشتری برای پاسخگویی تقاضاها و رفع نیازهای ضروری خود انجام دهند . (عبداللهی، 1378:127؛ مؤمنی، 1381)

مرتن استدلال می‌کند که در شرایط نابهنجار فوق افراد فقیر با توجه به باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل رفتار خود و بعضی ویژگی های فردی دیگر بر رفتارهای تخلف آمیز و غیرقانونی صحه می‌گذارند و یا به آن عمل می کنند که نتیجه آن تضعیف قانون و عادی جلوه دادن قانون گریزی است. در چنین اوضاعی که قانون گریزی عادی جلوه داده می‌شود، آسیب اجتماعی در حوزه های عمومی ارتباطات انسانی گسترش می یابد و بخش عظیمی از رفتار قانون‌گریزانه شخص از حیطه کنترل وی خارج می شود که هرچه سطح ناتوانی و یا احساس ناتوانی و فقر فرد بیشتر باشد دلیل تراشی برای قانون‌گریزی او نیز افزایش می‌یابد که روان‌شناسان اجتماعی به آن تکنیک خنثی‌سازی گویند.

منظور از تکنیک خنثی‌سازی در قانون‌گریزی توسط افراد اینست که اکثر افراد به‌طور روزمره و برای امور مختلف در مراکز دولتی ، حوزه های عمومی زندگی و کسب و کار به توجیه قانون شکنی بر اساس

انکار مسئولیت شخصی می‌پردازند و قانون شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان بودن خود می‌دانند که می‌توانند به بازده های مثبت رسند . (صالحی، 117:1378) اگر مکانیسم خنثی سازی نیز به طور عام شکل گیرد ، آنگاه فرهنگ قانون‌گریزی شکل می‌گیرد که از نظر ساترلند برآساس الگوی انتقال فرهنگی ، رفتارهای غیرقانونی از طریق کنش متقابل به دیگران آموخته می‌شود و نوعی فرهنگ قانون گریزی مبتنی بر توجیه زرنگی شکل می‌گیرد که به دنبال فرهنگ فقر انواع رفتارهای بزمکارانه و مجرمانه را نیز تقویت می‌کند. (گر، 24:1379)

3-2) تبیین ارتباط فقر با قانون گریزی در نظریه بوم‌شناختی

نظریه بوم‌شناختی به تحلیل سیستمی از میزان های قانون‌گریزی و جرم که به لحاظ جغرافیایی در یک شهر یا سکونتگاه توزیع می‌شوند اشاره می‌کند. در این نظریه میزان های قانون گریزی و مصاديق آن اغلب به صورت نقشه ترسیم شده و با سایر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی ساکنان در ارتباط گذاشته شده است. یکی از پیش فرضهای اساسی نظریه بوم‌شناختی که در مکتب شیکاگو توسعه یافته است این است که آن دسته از حوزه های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده‌اند ارزش‌ها و سنت‌های قانون‌شکنی و

روی آوری به رفتارهای بزهکارانه را توسعه میدهد. براساس نظریه برگس مناطق طبیعی شهر مخصوصاً منطقه انتقالی به وسیله شاخص‌های ویژه‌ای نظیر سطح بالای تحرک و تراکم جمعیت، ویرانی خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی اما کن و نیز وجود گروه‌های خرد فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنین این مناطق مشخص می‌شوند؛ که نسبت به سایر مناطق شیوع رفتارهای قانون‌گریزانه و اعمال خرابکارانه بیشتر است.

(متاز، 1381: 88)

3-3) تبیین ارتباط فقر با قانون گریزی بر اساس نظریه تضاد

در نظریه تضاد رفتار قانون گریزانه از یک تقدا و نزاع میان طبقات بالای جامعه که مالک ابزار تولید هستند و افراد طبقه پائین که فاقد ابزار تولیدند شکل می‌گیرد. در این نظریه به زعم کارل مارکس بیشتر بزهکاری‌ها و رفتارهای قانون شکنانه به وسیله طبقات پائین انجام می‌شود و این نه به دلیل تمایل و علل روان شناختی مربوط به فقرا و طبقات پائین است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پائین و فقرا اعمال می‌شود. به زعم این نظریه وجود تضاد‌های گسترده در جامعه و طبقاتی

شدن انسان‌ها، باعث می‌شود تا افراد طبقه پائین دچار از خودبیگانگی شوند و از خودبیگانگی که به معنی احساس از دستدادن کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به طور جبری انجام می‌شود. از نظر مارکس در چنین فرآیندی افراد فقیری که دچار از خودبیگانگی می‌شوند به احساس پوچی، بیقدرتی، بیزاری از خود، بیاعتمادی و خشونت می‌رسند که پیامد چنین وضعیتی باعث اخلاقی‌زدایی و بی‌توجهی به ارزش‌های هنجاربخش جامعه می‌شود. تا جایی که افراد طبقه پائین و فقیر به انکار ارزش‌های اساسی جامعه، هنجارهای اجتماعی و استانداردهای ثبتی شده رفتار می‌پردازند. (احمدی، 1377:58-59) زیرا جهت‌گیری قوانین و نظام وضع آن را به خود نسبت نمیدهد و با قوانین هنجاربخش به عنوان بیگانه برخورد می‌کنند.

3-4) تحلیل ارتباط فقر فرهنگی با قانون‌گریزی
بی‌سوادی و کم سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فرامی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های

اجتماعی منجر می‌گردد. (عبداللهی، 1378: 127) در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند و بر هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه مشارکت در امور عام‌المنفعه و خیر عمومی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت نیل به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی خود ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند. (صالحی، 1378؛ عبداللهی، 1378)

در مجموع براساس جمع‌بندی نظریه‌های بیان شده؛ برای تعیین چگونگی قانون‌گریزی و عوامل مرتبط با آن سؤالات و فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند.

- عمدترین موارد قانون‌گریزی شهروندان کدام‌ها هستند؟

- سطح قانون‌گریزی از نظر مجموع موارد قانون‌گریزی در بین شهروندان چقدر است؟

فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- میزان قانون‌گریزی شهروندان براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی آنان متفاوت است.
- میزان قانون‌گریزی شهروندان تابع میزان فقر اقتصادی - اجتماعی، فقر فرهنگی، نگرش منفی به

قانون، فقر شهروندی، نگرش دینی و تحصیلات آنان است.

4) روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی (Survey) و از نظر زمانی یک مطالعه مقطعی (Cross Sectional) می‌باشد که گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه و با پرسشنامه انجام شده است.

4-1) جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری بررسی حاضر شامل کلیه شهروندان بالغ شهر تبریز می‌باشد که در سال 1383 تعداد آنان برابر 720 هزارنفر می‌باشد که از بین آن‌ها طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای 0/01 و دقت برآورد $d = 0/05$ و حد اکثر واریانس $pq = 0/25$ حدود 670 نفر نمونه پس از بلوک بندي کردن مناطق تبریز و با در نظر گرفتن تناسب حجم نمونه در هر طبقه، به طور تصادفی ساده از درون بلوک‌ها انتخاب شدند.

4-2) نحوه سنجش سازه‌ها (Constructs)

4-2-1) پایگاه اقتصادی - اجتماعی

طبق معیار شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز و با جمع رتبه‌های شغلی (1تا4) + رتبه دارایی و امکانات منزل (1تا4) + رتبه درآمد (4)

تا)، در مقیاس رتبه‌ای محاسبه شد.

4-2-2) فقر فرهنگی

طبق معیار جیمز کلمن و با در نظر گرفتن موارد فوت یکی از والدین، طلاق والدین، کم‌توجهی خانواده، ناتوانی جسمی، سابقه کیفری، نزاع و درگیری در خانواده، مورد سوء استفاده قرار گرفتن، غیبت مدام یکی از والدین، داشتن والدین معتاد، در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شد.

4-2-3) میزان شهرورندگرایی

این سازه در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شد که عمدت ترین معرفه‌ای آن عبارتند از: تو امنیتی شرکت در مباحث سیاسی، کار با رایانه، ارسال نامه الکترونیکی، تحلیل مسائل فرهنگی، همکاری با سازمان‌های غیردولتی، پذیرش مسئولیت اجتماعی، دانستن اسامی نمایندگان شهر، استفاده از کارت‌های اعتباری، پس‌انداز 10 درصد از درآمد خود و خواندن سروд ملی.

4-2-4) نگرش دینی شهرورندان

این سازه با 10 گویه (Item) در مقیاس فاصله‌ای و براساس طیف لیکرت سنجیده شد که دامنه نمرات طیف بین صفر تا 100 تعیین گردید.

4-2-5) نگرش به قانون

با 10 گویه و مطابق تکنیک طیف لیکرت در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شد که دامنه طیف بین صفر تا 100 می‌باشد.

4-3) اعتبار (Validity) و روایی (Reliability) سؤالات و گویه‌ها

اعتبار سؤالات از طریق تکنیک تحلیل عاملی و براساس ضرایب بارعاملی آن‌ها در هر یک از سازه‌های زیربنایی تعیین شد که به دنبال آن نیز از طریق تکنیک گروه‌های شناخته شده برای تعیین اعتبار محتواهای سؤالات و گویه‌ها استفاده شد.

4-4) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده با نرم افزار آماری Spss تجزیه و تحلیل شدند. برای توصیف صفت‌های کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و برای توصیف صفت‌های کیفی درصد محاسبه شد. برای تعیین ارتباط سطوح پایگاه اقتصادی - اجتماعی با قانون‌گریزی، نگرش به قانون و شهروندگرایی از آزمون‌های پارامتری F و در نهایت برای تبیین چند م تغیری قانون‌گریزی از روی متغیرهای مستقل مانند رتبه پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر فرهنگی، شهروندگرایی، نگرش دینی، نگرش به قانون و سطح تحصیلات از رگرسیون چندگانه (Multiple Regression) استفاده شده

است.

5) یافته‌ها

در مطالعه حاضر 54/8 درصد از پاسخگویان مؤنث و 45/2 درصد مذکر بودند که میانگین سن آن‌ها $\pm 14/3$ 35 سال با حداقل 18 و حداًکثر 87 سال بود. از نظر وضعیت تأهل 37 درصد مجرد و 63 درصد متاهل و از نظر تحصیلات 7 درصد بی‌سواد، 7 درصد دارای سواد ابتدایی، 10/4 درصد تحصیلات راهنمایی، 38/4 درصد دبیرستان و دیپلم، 11/8 درصد فوق دیپلم، 20/6 درصد لیسانس و 4/8 درصد فوق لیسانس و دکتر ابودند.

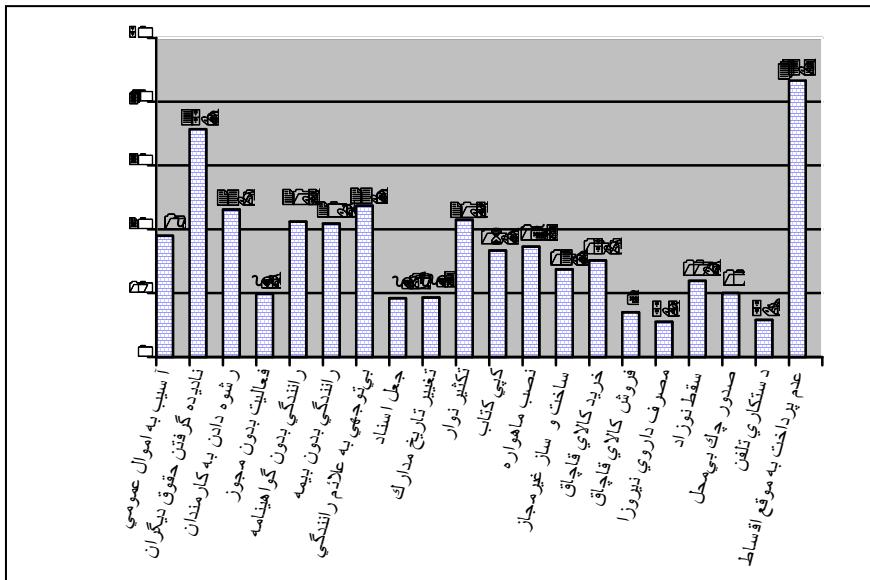
-1 - 5) وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد مورد مطالعه

در مطالعه حاضر وضعیت اقتصادی بر مبنای شغل درآمد و میزان دارایی خانوادگی افراد مورد مطالعه طبق شاخص رتبه گذاری پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز (Nam-Powers) سنجیده شده است. که در نهایت 31/3 درصد در طبقه پائین (فقیر)، 60/7 درصد متوسط و 7/9 درصد در طبقه بالا (مرفه) قرار گرفتند.

2-5) توزیع فراوانی موارد قانون‌گریزی شهروندان عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی توسط شهروندان طبق نمودار شماره 1 عبارتند از: نادیده گرفتن حقوقی

دیگران هنگام تأمین نیازمندی های روزانه، عدم پرداخت به موقع اقساط وام‌ها و کپی برداری یا تکثیر غیرمجاز نوارهای صوتی و تصویری بوده است. در مقابل کمترین نسبت موارد قانون‌گریزی استفاده از داروهای نیروزای غیرمجاز، خرید و فروش کالای قاچاق، انجام فعالیت شغلی بدون اخذ مجوز بوده است و سایر مصاديق قانون گریزی نیز در نمودار فوق درج شده است. در مجموع 90 درصد از شهروندان مورد مطالعه حداقل یکبار در طول 6 ماه دوم سال 83 قانون‌گریزی داشته اند که درصد بسیار بالای است.

نمودار 1: توزیع فراوانی قانون‌گریزی شهروندان



5-3) توزیع پراکندگی میزان قانون‌گریزی شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 1 متوسط نمرات قانون‌گریزی شهروندان براساس مؤلفه‌های مندرج در نمودار شماره 1، 39/79 با انحراف استاندارد 18/39 به دست آمده است به طوری که حداقل میزان قانون‌گریزی صفر و حداکثر 100 میباشد که در مجموع میزان قانون گریزی در بین شهروندان یک آسیب جدی تلقی می‌شود زیرا سطح شیوع آن نسبتاً بالا می‌باشد. به‌طوری که با مقایسه نمرات گرایش به قانون ملاحظه می‌شود هنچارمندی قوانین و فضای اجرایی آن از نظر شهروندان به‌طور نسبی در حد پایینی ارزیابی شده است.

جدول 1: توزیع پراکندگی قانون‌گریزی شهروندان

قانون‌گریزی	متغیر	تعداد	میانگین	استاندارد	انحراف	ضریب کجی	کشیدگی	حداکثر	حداقل	حداکثر
100	قانون‌گریزی	670	39/79	18/39	/422 1	2/072	0	100	0	حداکثر

5-4) توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

براساس اطلاعات جدول شماره 2 میانگین گرایش به قانون و ارزیابی کارکردهای آن در جامعه توسط شهروندان برابر 42/47 به دست آمده است به‌طوری‌که حداقل نگرش در بین شهروندان صفر و حداکثر 100 می‌باشد و نمرات قانون گرایی از پراکندگی بالایی برخوردار است ولی توزیع سطح قانون گرایی طبق

آزمون اسمیرنف- کولموگروف نرمال است یعنی شهروندان از نظر نگرش به قانون در طیف وسیعی قرار دارند. که در جمعبندی نهایی میزان نگرش به قانون پایین‌تر از حد متوسط است. زیرا حد متوسط 50 می‌باشد.

جدول 2: توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون

نگرش به قانون	تعداد	متغیر	میانگین	استاندارد	انحراف کجی	ضریب کجی	کشیدگی	حد اقل	حد اکثر
100	670	نگرش به قانون	42/47	24/87	0/567	-0/223	0	0	100

5-5) توزیع پراکندگی میزان شهروندگرایی شهروندان

میزان شهروندگرایی شهروندان مورد مطالعه 42/3 درصد با انحراف استاندارد 26/3 و حد اقل صفر و حد اکثر 100 بوده است که در مج موع میزان شهروندگرایی کمتر از حد متوسط است ولی توزیع پراکندگی نمرات شهروندگرایی طبق آزمون اسمیرنف کولموگروف نرمال است. یعنی افراد با درجه بالا و پائین حدود 32 درصد و افراد با درجه شهروندگرایی متوسط 68 درصد می‌باشند.

جدول 3: توزیع پراکندگی میزان شهروندگرایی شهروندان

شهروندگرایی	تعداد	متغیر	میانگی	استاندارد	انحراف کجی	ضریب کجی	کشیدگی	حد اقل	حد اکثر
100	670	شهروندگرایی	42/35	26/31	/109	-0/945	0	0	100

			0					ی
--	--	--	---	--	--	--	--	---

6-5) توزیع پراکندگی نگرش دینی شهروندان

بر اساس اطلاعات جدول شماره 4 میزان نگرش دینی شهروندان به طور متوسط 70/28 درصد با حداقل گرایش 3 و حداکثر 100 به دست آمده است که در مجموع سطح گرایش دینی شهروندان در حد متوسط به بالا میباشد.

جدول 4: توزیع پراکندگی نگرش دینی شهروندان

نگرش دینی	متغیر	تعداد	میانگین	استاندارد	انحراف کجی	ضریب کشیدگی	حداکثر	حداقل	3/64	100
نگرش دینی	متغیر	670	70/28	17/51	-1/166	2/473	3/64	100	3/64	100

6-5) توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

همچنانکه قبلًا در این مقاله اشاره شد، در سطح خرد فقر فرهنگی عبارت از قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که فرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم دچار آن است . مثل بی‌سوادی والدین یا بی سرپرستی و ... که طبق اطلاعات جدول شماره 5 میانگین سطح فقر فرهنگی برابر 4/57 با انحراف استاندارد 7/38 می‌باشد که حداقل نمره فقر فرهنگی صفر و حداکثر 45/45 به دست آمده است . از این رو با در نظر گرفتن متوسط جامعه ملاحظه می شود فقر فرهنگی از نظر آسیب‌های فرهنگی تعداد کمی از شهروندان را تهدید

می‌کند ولی در بین آن‌ها شهروندانی هستند که به شدت دچار فقر فرهنگی هستند که سطح قانون گریزی این دسته از شهروندان در مدل رگرسیونی ارائه شده است.

جدول 5: توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان

فرهنگی	فقر	متغیر	تعداد	میانگین	استاندارد	کجی	ضریب	انحراف	حد اقل	کشیدگی	حد اکثر
فرهنگی	فقر		670	4/57	7/38	2/13	5/7	0	45/45		

5-8) مقایسه میزان قانون گریزی براساس وضعیت اقتصادی (فقیر، متوسط، مرفة)

از آنجا که میزان قانون گریزی در مقیاس فاصله ای سنجیده شده است بنابراین از تحلیل واریانس برای مقایسه سه طبقه اقتصادی، اجتماعی استفاده کردیم که طبق اطلاعات جدول شماره 7 متوسط قانون گریزی طبقه فقیر $16/7 \pm 14/4$ ، طبقه متوسط $27/61 \pm 22/7$ ، طبقه مرفة $12/4 \pm 16/4$ به دست آمده است که طبق معیار $F=31/6$ و $p=0/000$ اختلاف قانون گریزی در سه طبقه معنی دار است . قانون گریزی نسبت به سایر طبقات در طبقه فقیر بیشتر است ولی بین طبقه متوسط و بالا تفاوت معنیداری وجود ندارد. $p=0/218$

5-9) مقایسه نگرش به قانون براساس طبقه اقتصادی - اجتماعی شهروندان

همچنین طبق اطلاعات جدول شماره 6 میانگین گرایش به قانون گرایی در بین شهروندان طبقه پایین

(فقیر) $2 \pm 40/12$ و طبقه متوسط $25/3 \pm 42/64$ و طبقه بالا (مرفه) $26/8 \pm 50/46$ است که طبق معیار $F=3/7$ و $p=0/025$ اختلاف نگرش به قانون گرایی براساس طبقه اقتصادي - اجتماعی شهروندان معنی دار است و به ترتیب بیشترین نگرش در طبقه بالا و کمترین در طبقه پایین (فقیر) است.

5-10) مقایسه میزان شهروندگرایی افراد براساس طبقه اقتصادي - اجتماعی شهروندان

براساس اطلاعات جدول شماره 6 و مطابق با آزمون تحلیل واریانس انجام شده ملاحظه می شود که میزان شهروندگرایی افراد طبقه پایین (فقیر) $21 \pm 28/25$ و طبقه متوسط $25 \pm 46/3$ و طبقه بالا $23/6 \pm 67/86$ است که طبق معیار $F = 31/6$ و $p = 0/000$ - تفاوت شهروندگرایی براساس طبقه اقتصادي اجتماعی معنی دار است و سطح شهروندگرایی افراد طبقه پایین بیش از دو طبقه دیگر است.

جدول 6: تحلیل واریانس برای مقایسه قانون گریزی، گرایش به قانون و میزان شهروندگرایی براساس طبقه اقتصادي - اجتماعی شهروندان

P	F	میانگین مجذورات درون گروه	میانگین مجذورات بین گروه	اشتباه معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	طبقه	
/000 0	/60 31	309/89	9793/17	1/57 0/71	22/78 14/39	27/61 16/71	210 407	فقیر متوجه	قانون گریزی

				2/25	16/40	12/42	53	با لا	
				0/71	18/39	19/79	670	کل	
/025 0	3/70	613/68	/115 2276	1/59	23/12	40/12	210	فقیر	نگرش به قانون
				1/25	25/31	42/64	407	متوجه ط	
				3/68	26/80	50/46	53	با لا	
				0/96	24/87	42/47	670	کل	
/000 0	/39 72	570/49	41298/8	1/44	20/99	28/25	210	فقیر	شهروندگی رأیی
				1/25	25/27	46/30	407	متوجه ط	
				3/25	23/66	67/86	53	با لا	
				1/01	26/31	42/35	670	کل	

۱۱-۵) عوامل قانون‌گریزی شهروندان

براساس آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش (Enter) و مطابق با جدول شماره 7 در تبیین میزان قانون‌گریزی شهروندان از روی مجموع متغیرهای مستقل موجود فرضیه شماره 2، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R = 0/636$ و ضریب تبیین $R^2 = 0/401$ و ضریب تبیین خالص $R^2 = 0/404$ آمده است. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی دار موجود در مدل می‌توان تا حدود 40 درصد واریانس قانون‌گریزی شهروندان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود پایگاه اقتصادی - اجتماعی با بتای $\beta = -0/245$ ، میزان گرایش دینی با $\beta = -0/17$ ، فقر اجتماعی با $\beta = 0/1$ ، نگرش به قانون با $\beta = -0/09$ و میزان شهروندگرایی با $\beta = -0/08$ به ترتیب

بیشترین سهم را در میزان قانون گریزی شهروندان دارند که ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیونی خطی است ($F=16/05$ ، $p=0/000$) . در مجموع فقر اقتصادی - اجتماعی، پائین بودن نگرشی به قانون، پائین بودن نگرش دینی، فقر فرهنگی و فقر شهروندی تأثیر معنیداری بر قانون گریزی شهروندان دارند و گزینه فقر در ابعاد مختلف خود سیستمی را تشکیل می دهد که فرد را برای قانون گریزی و عدم احساس مسئولیت در برابر قانون آماده می سازد که این خود تعامل چند وجهی انواع آسیبهای اجتماعی را فراهم می آورد که در معادل ۵ زیر و براساس ضرایب بتای استاندارد شده مدل قانون گریزی برآذش شده است (نگرش دینی) ۰/۱۷ - (پایگاه اقتصادی - اجتماعی) ۰/۲۴۵ = قانون گریزی - شهرondگرایی (۰/۰۹) - (نگرش ب ۰ قانون) + ۰/۱۰ (فقرفرنگی)

جدول 7: تبیین قانون گریزی شهروندان براساس پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر اجتماعی، نگرش به قانون، میزان شهروندگرایی، میزان نگرش دینی و تحصیلات

اشتباه معيار برآورده مدل	ضریب تبیین خالص	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه	شاخصهای آماری مدل ۱	مقادیر
17/20394	0/401	0/404	0/636		

جدول 8: ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر قانون گریزی شهروندان

Sig.	t	ضرایب استانداردش ه	ضرایب استاندارد نشده	متغیرها	
		Beta	Std.Error		
0/000	8/998		4/525	40/719	مقدار ثابت
0/030	2/178	-0/090	0/030	-0/066	نگرش به قانون
0/048	-1/743	-0/082	0/033	-0/057	شهروندگرایی
0/000	-4/144	-0/170	0/043	-0/179	نگرش دینی
0/000	-5/691	-0/245	0/387	-2/202	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
0/007	2/696	0/100	0/092	0/247	فقر فرهنگی
0/325	0/985	0/047	0/577	0/568	تحصیلات

متغیر وابسته: قانون‌گریزی

6) نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه هدف عمدۀ تبیین قانون‌گریزی براساس حوزه‌های ابعاد فقر بود؛ بنابراین در مؤلفه‌بندی فقر به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نگرشی و کنترل درونی در قالب مفهوم نگرش دینی پرداخته شد. قانون‌گریزی نیز براساس مصاديق و موارد عمده آن از قبیل آسیب رسانی به اموال عمومی، نادیده گرفتن حقوق مردم، رشوه دادن و رشوه گرفتن، اشتغال بدون مجوز، رانندگی بدون مجوز و بیمه، بیتوجهی به عالم محیطی، جعل اسناد و مدارک، کپی کردن لوازم فرهنگی، قاچاق کالا، سقط نوزاد، صدور چک بلا محل و نادیده گرفتن قراردادهای نهادی و قانونی سنجیده شد. بنابراین در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت

پیمایشی اجرا شد مشخص گردید که 90 درصد از شهروندان در طول 6 ماهه دوم سال 1383 حداقل یکبار قانون‌گریزی داشته‌اند و 16 درصد فقط یکبار قانون‌گریزی کرده‌اند. اگر قانون‌گریزی را نوعی کج روی به حساب بیاوریم و طبق نظریه کولی تبیین کنیم می‌توانیم ادعا کنیم که 16 درصد از شهروندان دچار قانون‌گریزی اولیه شده‌اند ولی 74 درصد از شهروندان دچار قانون‌گریزی ثانویه شده‌اند. یعنی عمل قانون‌گریزی را استمرار می‌بخشدند و در این میان به ارزیابی‌های محیطی و منابع کنترل می‌پردازند و اگر مکانیسم‌های نظارت وجود نداشته باشد احتمال تکرار قانون‌گریزی وجود دارد که چنین وضعیتی از نظر آماری یک آسیب اجتماعی جدی تلقی می‌شود. اما با بررسی شیوع قانون‌گریزی شهروندان ملاحظه شد که مصاديق و شیوع قانون‌گریزی‌ها از وضعیت اقتصادي – اجتماعی – فرهنگی و ادراکات شهروندان تبعیت می‌کند. از این‌رو در تبیین نظری قانون‌گریزی مشخص گردید که تضاد اقتصادي – اجتماعی و شیوع فقر مهمندین عامل رفتارهای قانون‌گریزی است و این‌نه به دلیل عوامل روان‌شناختی است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقه پائین و فقرا اعمال می‌شود و قوانین دارایی کارکردهای مساوی برای همه طبقات نیستند و

تو اندیهای طبقات مختلف مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در امتداد نظریه تضاد چمبرز نیز معتقد است نوسانات شدید اقتصادی و بی هنجاری اقتصادی شکاف طبقاتی را افزایش می دهد که در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی های خود نمی‌شوند و در تله فقر گرفتار می‌شوند که این نیز بر ناتوانی، بقدرتی، عدم هنجارپذیری آنان می‌افزاید. (چمبرز، 1998: 83) مرتن نیز در نظریه ساختاری فرصت استدلال می کند که برای مردم فقیر ابزار و اهداف اجتماعی بر هم منطبق نیستند بنابراین این گروه به روش‌های جدید سعی بر انطباق اجتماعی می‌نمایند و برای تطبیق پذیری رفتارهای غیرقانونی را برای پاسخگویی به تقاضاها و رفع نیازهای خود ضروري میدانند. (مؤمنی، 1381: 32) از نظر مرتن این گروه از افراد (فقر) با توجه به نیازها، باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل خود بر رفتارهای قانون گریزانه صحه می‌گذارند و آن را به عنوان اخلاق به طور ناخودآگاه دنبال می‌کنند. (همان: 33) در نتیجه به انواع فرافکنی‌ها و تکنیک‌های خنثی سازی متولّ می‌شوند و قانون‌شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان بودن فرد می‌دانند که می‌توانند به بازده مثبت برسند. (صالحی، 1378: 107) ساترلند چنین وضعیتی را براساس الگوی انتقال فرهنگی تبیین کرده است که

باعت گسترش قانون گریزی و شیوع قانون گریزی به عنوان شکل‌گیری آسیب اجتماعی مطرح می‌کند. (گر، 24:1379)

در ادامه مباحثه فوق و طبق تبیین جغرافیایی و بوم‌شناسی قانون گریزی نیز برگش به مناطق انتقالی در حوزه های شهری توجه کرده است و با آسیب‌شناسی مناطق شهری تأیید کرد که مناطق ویژه‌ای با مشخصات سطح بالای تحرک، تراکم جمعیت، ویرانی خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پائین بودن سطح بهداشت عمومی و وجود گروه‌های خردفرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پائین ساکنان این مناطق مشخص می‌شود. (احمدی، 59-58:1377) بنابراین در نظریه‌های ارائه شده مشخص گردید که فقر نه تنها در ابعاد اقتصادی بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی در زمینه سازی اعمال قانون‌گریزانه اهمیت بسزایی دارد و متغیرهای تعديل‌کننده‌ای مانند نداشتن الگوی زندگی مدنی، ضعف اعتقادات دینی، بی‌سوادی و کم سوادی و آشنا نبودن با الگوهای شهروندی قانون‌گریزی را افزایش می‌دهد.

با توجه به مبانی نظری فوق در تحقیق حاضر نیز ارتباط فقر با قانون گریزی، شهروندگرایی و نگرش به قانون بررسی شد که در نتیجه مشخص گردید سطح قانون‌گریزی در طبقه پائین جامعه بیشتر از سایر

طبقات است. در نتیجه تلقی مثبت از ابزارهای نظم‌دهی و قوانین نیز در جامعه در طبقه پائین کمتر است ضمن آنکه در گروه طبقه پائین مهارت‌های لازم برای شهروندگرایی نیز بسیار پائین تر از طبقه متوسط و بالای جامعه بود که این یافته نظریه مرتن و ساترلند را تأیید می‌کند و مطابق با نظریه آن‌هاست.

همچنین یافته اخیر با نظریه برگس نیز مطابقت دارد چرا که از نظر برگس قانون گریزی نتیجه تعاملات فرهنگی و زیستی است که در طبقه پائین بیشتر مصدق دارد.

طبق مدل رگرسیونی مشخص شد که بسترهاي لازم برای قانون گریزی به ادراکات و نگرش های مثبت افراد به پیرامون محیطشان بستگی دارد. زیرا در درون همه طبقات سطحی از قانون گریزی وجود دارد ولی تکرار و شیوع آن در طبقه پائین به دلیل وجود ابعاد دیگری از فقر شدت بیشتری دارد. این عوامل عبارتند از فقر شهروندی و بیگانگی نسبت به قانون (نگرش منفی به قانون) که مکانیسم خنثی‌سازی را در بین آن‌ها فعال می‌کند و قانون‌گریزی را زرنگی تلقی می‌کند که به راحتی نزد سایر افراد گروه خود مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

در این مطالعه مشخص شد که ضعف مبانی دینی و

گرایشی افراد نیز مستعدکننده قانون گریزی است و در مواردی که افراد دارای مهارت های لازم برای تعاملات اجتماعی نباشند عامل کنترل کننده درونی (دین) مانع ارتکاب اعمال انحرافی و قانون گریزی میگردد. چرا که از نظر نگرش دینی بین طبقات تفاوت معنیدار وجود نداشت ولی تأثیرگذاری نگرش دینی برای پیشگیری از اعمال قانون گریزانه در طبقه پائین بالاتر از طبقات بالاست زیرا در طبقه بالا م هارت های شهروندی بیش از نگرش دینی در پیشگیری از اعمال قانون گریزانه اهمیت دارد.

7) پیشنهادهای عملی

الف) شهروندگرایی و مهارت های شهروندی در پیشگیری از اعمال قانون گریزانه اهمیت بسزایی دارد بنابراین لازم است تا از طریق فعال سازی انجمن های محلی و یا تشکل های غیردولتی با حمایت سازمان ملی جوانان برای جوانان و کانون های فرهنگی مساجد برای عموم شهروندان بتوان الگوی ارتباطات غیررسمی و هنجارمند را فراهم آورد تا از این طریق نظارت های غیررسمی جایگزین نظارت رسمی گردد.

ب) قانون گریزی براساس عمل خنثی سازی تشدید میشود بنابراین لازم است از طریق اطلاع رسانی رسانه ای موارد قانون گریزی همراه با پیامدهای آن برای افراد از طریق شبکه های محلی گزارش شود تا

در نزد افراد پیامدهای منفی قانون گریزی بیش از پیامدهای مثبت آن جلوه نماید.

ج) از آنجا که بخشی از اعمال قانون‌گریزانه در نتیجه احساس فاصله بین افراد طبقات پائین با سایر طبقات و نهادهای تنظیم کننده روابط است بنابراین لازم است از طریق شبکه های محلی و با مدنظر گرفتن برنامه های خاص و مستمر مشکلات و مسائل این مناطق (فقیر) از طریق دوربین نمایش داده شود و مردم به ابراز احساسات و مشکلات خود بپردازند تا اینکه احساس محرومیت نسبی آنان در قالب اعمال خرابکارانه فعال نشود و احساس ناکامی‌ها در قالب بیانات شفاهی تخلیه شود.

د) پیشنهاد می‌شود به دلیل محدودیت منابع برای تمرکز زدایی و توجه یکسان به توسعه همه مناطق، حتی اگر قرار است خدمات عمرانی، زیربنایی و یا رفاهی به مناطق ارائه شود از طریق نیازسنجی و بسیج اهالی هر منطقه (مخصوصاً مناطق فقیرنشین) مشارکت در برنامه‌ریزی اجرا شود تا افراد احساس تعلق بیشتری به محیط و تعاملات خود در محیط داشته باشند تا از مصادیق قانون گریزی کاسته شود.

۵-) در این بررسی مشخص شد که فقر فرهنگی مانند داشتن خانواده ناقص و یا کم سواد نقش عمده‌ای در قانون گریزی داشته است بنابراین لازم

است تا از سنین 7 سالگی افراد دارای این موقعیت مستقیماً در حمایت سازمان بهزیستی هلال احمر و یا ارشاد اسلامی و حتی سازمان ملی جوانان قرار گیرند تا بخشی از احساس ناتوانی و کم توجهی آنان رفع شود و زمینه جامعه پذیری آنان در قالب نهادهای اجتماعی صورت گیرد زیرا عدم جامعه پذیری و فرهنگ پذیری مناسب نقش عده ای در قانون گریزی دارد.

و) توجه به مسئله قانون گریزی و قانون ستیزی به عنوان یک پدیده اجتماعی آسیب زا با سایر پدیده ها و مسائل اجتماعی همچون عقب ماندگی، بیکاری، نابرابری های رتبه ای و رابطه ای، فقر و محرومیت، تبعیض و تعارض جنسی، قومی، مذهبی، ارتشاء و اختلاس، اعتیاد، طلاق و از هم پاشیدگی روابط گرم خانوادگی، سرگردانی و حاشیه نشینی و سایر مسائل مرتبط است. بنا بر این اقدام در جهت تقویت قانون گرایی باید همانگ با تقویت عوامل و تضعیف موافع آن باشد که در این بین مشارکت حقیقی و همه جانبه مردم باید از طریق تقویت نهادهای مدنی و رسانه ای و حتی آزادی مطبوعات و احزاب شکل گیرد.

1. ابطحی، سیدمصطفی . (1375)، نقش فرهنگ سیاسی در فقدان قانون پذیری در جامعه ، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.
2. اتان بی ، کاپشتاین. امنیت ملی و توسعه اقتصادی، ترجمه واحد فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
3. آراستهخو، م. (1374)، تأمین و رفاه اجتماعی، انتشارات پیام نور، تهران.
4. ارسسطو، (1270)، اصول حکومت آتن . ترجمه محمدابراهیم پاریزی . چاپ سوم ، تهران. شرکت سهامی کتابهای جیبی.
5. پیمانی، ضیاءالدین. جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی.
6. جلالی‌مقدم، مسعود. (1379)، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ دین، تهران. نشر مرکز.
7. چلبی، مسعود . (1375)، جامعه‌شناسی نظم ، نشر نی. چاپ اول، تهران.
- 8 . چمبرز، رابت. (1998)، توسعه روستائی ، اولویت بخشی به فقر . ترجمه مصطفی ازکیا . انتشارات دانشگاه تهران.
9. دواس، دی. ای. (1376)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی ، نشرنی. چاپ اول. تهران.
10. روشندل، جلیل. (1374)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، انتشارات سمت. تهران.
11. روزنامه اطلاعات شماره های 21487، 21486، 21489.
12. روزنامه همشهری، شماره 1702، 1377./9/5
13. سایق، ی. چالش‌های مطرح برای قوام دولت در

- کشورهای جهان سوم ، ترجمه مصطفی ایمانی؛
اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره 125.-126.
14. سلطانی، ایرج . (1381)، نقش و تأثیر
قانون‌گرایی در بهداشت روانی جامعه ، نشریه
اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره 153.-154.
15. شاهکار، عبدالحسین. (1378)، قانون‌گرایی و
جامعه مدنی ، نشریه کار و کارگر، آبان ماه
. 1378.
16. شهیدی، محمدحسن. (1375)، موادمhydr، امنیت
اجتماعی و راه سوم ، انتشارات اطلاعات .
تهران.
17. صالحی، مصطفی. (1378)، عوامل و موانع
قانون‌گرایی، فصلنامه فرهنگ عمومی ، شماره
20.-21
18. ضمیمه روزنامه رسمی دادگستری جمهور
اسلامی، شماره 634.
19. طالب، مهدی. (1368)، تأمین اجتماعی ،
انتشارات آستان قدس، تهران.
20. عبدالله، مج. (1378)، موانع قانون‌گرایی در
ایران، نشریه فرهنگ عمومی، شماره 20.-21
21. عظیمی، حسین. (1371)، مدارهای توسعه و
توسعه نیافتنگی در اقتصاد ایران ، نشر نی .
چاپ دوم. تهران.
22. علیخواه، فردین . (1382)، علل و عوامل
قانون‌گریزی، نشریه انتخاب. شهریور. 1382.
23. فکور، علی . (1378)، قانون، قانون‌گرایی و
گروه‌های اجتماعی، نشریه فرهنگ عمومی. شماره
94.-98، 20-21
24. فراستخواه، مقصود. (1375)، دین و امنیت؛
خلاصه مق الات سینما توسعه و امنیت عمومی .
تالار علامه امینی دانشگاه تهران.

25. قاضی طباطبائی، محمود . (1371)، **تکنیک‌های خاص تحقیق**، انتشارات دانشگاه پیام نور.
26. کلمن، جیمز. (1377)، **بنیاد‌های نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری . تهران . نشرنی.
27. گر، تدرا بر. (1379)، **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، پژوهشکده مطالعات راہبردی . چاپ دوم . تهران .
28. ما هروی، ابوالحسن. (1381)، **حقوق و تکالیف شهروندی و قانون گریزی شهروندان** ، نشریه عدالت. شماره 15.
29. ممتاز، فریده . (1381)، **انحرافات اجتماعی**، شرکت سهامی انتشار . چاپ اول . تهران .
30. مُؤمنی، پروین. (1381)، **قانون‌گریزی - علل و عوامل آن**، نشریه وکالت. شماره 5.
31. میلر، دلبرتسی. (1380)، **راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایبی . نشر نی . تهران .
32. Downes David. (1999), "**Crime and Deviance**" In Taylor Steve ed., "Sociology Issues and Debates", London: Macmillan Press, P.P. 231-252.
33. Liska Allen E.and Messner stenen F. (1999), "**Perspectives on crime and Deviance**", New Jersey: Prentice Hall.
34. Miguel Melissa. (2001), "**John Hagan's Power Contral Theory**", www, criminology. FSU. edu/crimtheory/hagan. htm.
35. Richards; M & WBLLS; A. (2004), "**Impacts of illegality & barriers to legality**", Honduras, International Forestry Review.
36. Sampson, E.E. (1969), "**Studies in Status Congruence**". In Berkowitz, L.(ed). Advances in Experimental social psychology. Academic press. New York.
37. Smith, D.M.(2000), "**Moral Geographies: Ethics in a world of difference**". Edinburgh University Press: Edinburgh.
38. Webster, Andrew. (1990), "**Introduction to the Sociology Development**";

- Mac milian.
39. Wendorf, C.A., Alexander, s. and Firestone, I.J. (2002), "**Social Justice and moral reasoning: An Empirical integration of two paradims in psychological research**". Social Justice Research, Vol. 15, No. 1, Marsh 2002:19-39.